چون در معنی زنی بارت کسنه؛ بر فلوت زن که شهبارت کستند؛ فکر آن باشد که بگشاید رهی؛ راه آن باشد که پیش آید شهی؛ ای از
چون میسول و گر و فکر نگار اشتغال بماسوی از آینهٔ دل متفکران میزداید لاجرم حجب بعد هجران از نظر دل ایشان برخاسته از روی شهود
بزبان نیاز میگویند ربنا ای تربیت کننده ما با آثار عواید ذکریه و اطوار فواید فکریه ما خلقت هذا نیافریده این فعل را که آسمان و زمینست
باطلا آفریدنی باطل خلق نکرده و از روی عبث بلکه برای کاری بزرگ از عدم بوجود آورده که آن دلالت است بر وفور حکمت و کمال قدرت تو در بنا
کان اشارتیست بعجز عقول از احاطه بکمال حکمت حق سبحانه در آفریدن آسمان و زمین یعنی بعد از تفکر خلق درین اجسام اجرام که بصفت رفعت
و عظمت موصوفند چرا میفتد مفهوم ایشان نشود که اینها را باطل نیافریده بلکه بجهة حکمتی کلی از خلوتخانهٔ غیب بصحرای شهادت کشیده بزرگی گفته که
میکنند با لبابی که از حس صافی که عقولی از شوب وهم خالص خالی باشد در آفریدن عالم ارواح و اجساد و میگویند این اینها را از برای
بلکه برای فردان طریق عشق بازی آفریده تا در هر آینه از پرتو نور عالم افروزت جلوهٔ دیگر معاینه می بینند ع ذرات کون آینهای جمال
نوری دگر نموده رخت از هر آینه یا نیافریده اینها را مگر برای وسیلهٔ خلق بحق یا بجهة اظهار حق بر خلق در حقایق التاویل گفته باطل غیر حقست
پس اینها را بحق آفریده و مظاهر اسما و مرایای صفات خود گردانیده بیت چون گوی سپهر دیدی در کل؛ و ز دایرهٔ جهان نگر نقطهٔ دل
و آنگاه زبان شوق بگشای و بگوی؛ سبحانک ما خلقت هذا باطلا سبحانک پاکی تراست از آنکه چیزی عبث بیافرینی یا پاکی از آنکه فهم خلایق
بحقایق مخلوقات تو راه یابد یا تنزیه ثابتست ترا از احتیاج تو بغیر و اشتباه غیر بتو عوض ازین کلمه ثنای حق تعالی است و چون بمقام
ثنا بر دعا امید اجابت میگوید الفتح چنانچه گفتیم فقنا پس نگاه دار ما را بحمایت لطف خود عذاب النار از عذاب آتش دوزخ
یا از شعلهٔ نیران قهاریه یا از آنکه محجوب شویم بحجب اکوان آن شهود افعال و یا ستار افعال از مطالعه صفات و بحل حجب صفات از مشاهده
ذات ربنا انک ای پروردگار ما بدرستی که تو از روی عدل من تدخل النار هر کرا درآری بآتش و در آنجا جاوید باشد فقد اخزیته
پس بدرستی که او را خوار گردانیدی بعقوبه یا رسوا ساختی با مانه ابن المسیب گفته که این خاص مر کافرانست که مر از دوزخ بیرون نیاید
و اگر نه منهمار از اخزی نیست یوم لایخزی الله النبی الذین امنوا اجمعی مؤمنان گناهکار آلوده روزگار را که بدوزخ در آرند از برای تطهیر است
نه بجهة علو و تشویر در زندان سعیر پس مراد از دخول مع الخزی خلودست و اگر نه هر کسی بدوزخ را دخول هست و خزی نی در لطایف قشیری
که هر کرا از اجل بحرقه محکم کردی خوار شد و آنرا که در عاجل بفرقه نامزد ساختی لعبد شقاوت گرفتار شد و صاحب دولتی را که طغرای جمال
بنام او نوشتی در هر دو عالم از سعادت قرب برخوردار شد بیت هر کرا از وصل خود بنواختی؛ در دو عالم نام ارش ساختی؛ و ز بسوز
زخمش بنواختی؛ در حضیض محنتش انداختی؛ و گفته اند مراد نار رحمانست که هر که بواسطه پندار وجود بدان آتش سوخته شد بجای
رسوایی جهانست و ما للظالمین و نیست ستمکاران را از مشرک و یهودی و نصرانی و امثال ایشان هیچکس من انصار از یاران که عذاب
از ایشان دفع کند یا آنرا که بر دیه غیر مشرک راهند هیچکس جز الله القهار از ان بلا تخلص نکرده اند ربنا ای آفریدگار ما اننا بتحقیق که ما
منادیا شنیدیم ندا زننده را که آشکار او بلند ینادی للایمان میخواند خلق را بسوی ایمان تقیید ندا بایمان بعد از اطلاق منادی
جهت تفخیم شان منادیست چه اطلاق منادی موهم است بآنکه ندای او برای حرب و قتال باشد یا بجهت اطفاء نایرهٔ جنگ و جدال مفهوم

اغاثتهم

اغاثهٔ ستم رسیدگان بود یا مراد اش کفایت بعضی نوازل و شداید بود چون گفت ینادی للایمان مجرد داد از وقت شان منادی زیرا که
از جملهٔ منادیان هیچیک را این عظمت نیست که منادی ایمان را و این منادی محمد است صلی الله علیه و آله که خلق را بایمان دعوت میکند یا قرآن
عام تراست چه بسیار کس دعوت رسول صلی الله علیه نشنوده اند و همه کس از قرآن میشنوند که نامیر قرآن آمنوا بربکم که گرویده بپروردگار
خود یعنی بیکانگی او و اثبات صفات سزا او را و نفی صفات ناسزا از و و ما این ندا شنیدیم فآمنا پس اجابت کردیم منادی الصادق
ایمان آوردیم و چون با ایمان امیدواری مغفرت هست میگوییم ربنا ای آفریننده ما فاغفر لنا ذنوبنا پس بیامرز گناهان ما را در
کبایر است و کفر عنا و در گذار و بپوشان از ما سیاتنا بدیها یعنی صغایر یا ذنوب گناهان گذشته است و سیئات بدیهای آینده
یا اول ترک طاعتست و ثانی فعل منهی و توفنا و بمیران ما را چون از گناهان پاک سازی مع الابرار با نیکان و نیکوکاران چون انبیا و صالحان
و گفته اند ابرار آنانند که حق تعالی از ایشان خشنود است و معنی وفات با ایشان آن باشد که ارواح ما در اعمال ایشان به مرتبه و درجه
شل درجات ایشان جای گیرند در تیسیر آورده که ما را بمیران در عصر ابرار و اخیار و تا زمان شرار نامیز در قشیری گوید ابرار مخصوصانند من الله بحقایق
توحید و قایمانند به شرایط تفرید و اقفانند مع الله بخصایص تجرید صاحب کشف الاسرار گفته که خدایا منادی سنت بر سر باران شریعت
میخواند که امنوا الی کم و اوراد جان دل شنیدیم و حکم را گردن نهاده از غفلت رسیدیم و با انابت آرمیدیم بیت ندای ذی دولت شنیدیم
و زان دعوت بدولت الرسیدیم؛ محققان میگویند خدایا شنیدیم باسماع قلوب از منادی اسرار خود که دعوت بایمان عیانی که شهود
مینمود و ما را دیده مشاهده گشاده شد و دیدیم پس بیامرز ذنوب صفات ما را بجمله صفات خود و بپوش سیئات افعال ما بحسنات افعال
خویش و ما را بمیران از ذوات ما و جملهٔ ایشان داخل ارکه متوفی ساخته ایشان از ذوات ایشان بذات مقدس خود تا از خویش فانی و بتو باقی
گشته اند و بکشش جذبهٔ کلمهٔ رب که همه انبیا و اولیا حق را باین ربوبیت از سر و صفات بشریه در گذشته ع از خلق بریسته و بحق پیوسته
ای دو زنگار زند و هر آیه استفتاح ماست باسم اعظم یعنی کلمهٔ رب که همه انبیا و اولیا حق را باین اسم ندا کرده اند و دیگر افتتاحی اجابت
از واهب عطیه و اعتراف بخشوع و احتیاج و ضراعت و تعظیم بدوست یعنی بار خدایا ترا میخوانیم و بزاری میزاریم حاجت بدرگاه تو برداریم
و روی تضرع بحضرت تو نیاریم بیت بدرگه نیایم تو بی نظیر؛ در که گردیم تو می دست گیر؛ ربی دیگر جهة طلب تاکید عنایت ربانی میگوید
ربنا ای تدبیر کننده و بصلاح آرنده کار ما اجابت کن دعای ما را و اتنا و بده ما را ما وعدتنا آنچه که وعده کرده ما را علی رسلک بر تصدیق
پیغمبران خود و چون ما تصدیق ایشان کردیم یا عطا کن ما را آنچه بزبان رسل وعده داده از نصرت مؤمنان در آن آیه انا لننصر رسلنا والذین
آمنوا و در تاویلات ماتریدی آورده که خدای طلب آن امر شی میکنند که ایمان را بآن فرموده است برای اینهاست چنانچه پیغمبر را گفته
واستغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات و ابراهیم نیز همین بار او فرموده که رب اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین و نوح هم برین سوی
او درخواست کرد و لمن دخل بیتی مؤمنا و للمؤمنین و المؤمنات ع و فا گویند بده آنچه ما را وعده کرده از جذبات عنایت که ما را بدرک
حقایق هدایت که ما را از ما برهاند بحضرت تو رساند بر طریقت گفته خداوندا وعده که خود دادی بسر آر و رحمتی که خود دادی نگاه دار
چراغی که خود افروختی از تیرگی نگاه دار ایمان که بفضل خود دادی از آفت شیطان در پناه آر خدایا تو خود ما را گرفتی دست گرفت گذار

Copyright © King Saud University